

درمان چشم انداز زمان

نویسندگان:

دکتر مکیج استولارسکی

دکتر نیکولاس فیولاین

دکتر وسل ون

مترجمین:

دکتر نسرین ذبیحی

(دکترای تخصصی روانشناسی سلامت، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد تربت جام)

دکتر طاهر تیز دست

(دکترای تخصصی روانشناسی، دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد تنکابن)

دکتر محمدرضا زربخش بحری

(دکترای تخصصی روانشناسی، دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد تنکابن)

ویراستار: دکتر سمیه محمدی تیله نوئی



عنوان و نام پدیدآور	: درمان چشم‌انداز زمان / نویسندگان [صحيح: ویراستاران] مکيج استولارسکی، نیکولاس فیولاین، وسل ون بیک؛ مترجمین نسرین ذبیحی، طاهر تیزدست، محمدرضا زربخش بحری؛ ویراستار سمیه محمدی‌تيله‌نوئی
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات برگ و باد، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهري	: ۶۸۸ ص
شابک	: ۹۷۸-۶۳۲-۸۰۹۱-۵۸-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: Time Perspective Theory; Review, Resarch and Application: Essays in Honor of Philip G. Zimbardo,
موضوع	: روان‌شناسی Psychology کیفیت زندگی Quality of life فلسفه و علوم اجتماعی Philosophy and social sciences
شناسه افزوده	: استولارسکی، مکيج Stolarski, Maciej
شناسه افزوده	: فیولاین، نیکولاس Fieulaine, Nicolas
شناسه افزوده	: ون بیک، وسل Van Beek, Wessel
شناسه افزوده	: ذبیحی، نسرین -۱۳۵۳-، مترجم
شناسه افزوده	: تیزدست، طاهر -۱۳۵۳-، مترجم
رده بندی کنگره	: BF128
رده بندی دیویی	: ۱۵۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۵۹۷۶۶۹
وضعیت رکورد	: فیپا

درمان چشم‌انداز زمان

دکتر نسرين ذبيحي

که مترجمين

دکتر طاهر تيزدست

دکتر محمدرضا زربخش بحري

دکتر سميه محمدی تيله‌نوئي

که ويراستار

برگ و باد

که ناشر

۱۰۰ نسخه

که شمارگان

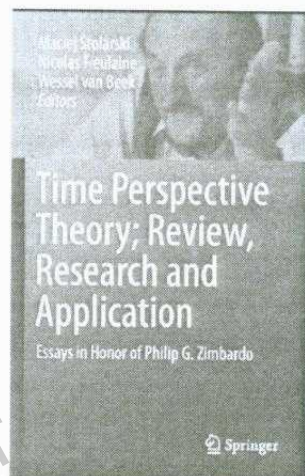
اول ۱۴۰۳

که نوبت چاپ

۸۰۰۰۰ تومان

که قیمت

ISBN: 978-622-8091-58-7



www.ketab.ir



انتشارات برگ و باد:

۰۹۱۹۶۰۱۱۵۴۲ - ۰۲۱۷۷۰۷۳۴۷۶

@nashr.bargobad

ardavantaghva@gmail.com

«حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر برگ و باد است.

حق انتشار نسخه الکترونیکی اثر با ناشر است.

هر گونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی از ناشر است.»

تقدیم به فیل زیمباردو

معلمان، مربیان و دوستان

تمام مولفان، کسانی که بلافاصله به درخواست‌های بی‌شمار ما پاسخ

گفتند و صبورانه منتظر ماندند

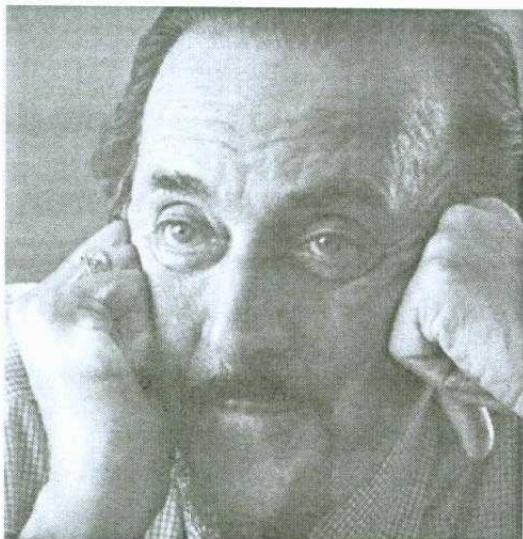
تقدیم به خانواده‌ها و دوستانمان که ما را در این پروژه‌ی عظیم اما

هیجان‌انگیز حمایت و تشویق کردند.

تقدیم به همکاران

امید است زمان با شما یار باشد!

www.ketab.ir



فیلیپ زیمباردو از طریق مجموعه تلویزیونی (PBS - TV)، مطالعات روانشناسی، حضور در رسانه‌ها، کتاب‌های پرفروش و تحقیقات کلاسیک خود (آزمایش زندان استنفورد)، در سطح جهانی چهره‌ی مشهور روانشناسی معاصر شناخته می‌شود.

زیمباردو از سال ۱۹۶۸ استاد دانشگاه استنفورد بوده و قبلاً در دانشگاه ییل، دانشگاه نیویورک و دانشگاه کلمبیا تدریس می‌کرده است (که اکنون بازنشسته شده است). او

همچنین به تدریس در دانشکده کارشناسی‌ارشد نیروی دریایی در مونتری (دوره‌های روانشناسی تروریسم) ادامه می‌دهد و استاد دانشگاه پالو آلتو (آموزش روانشناسی اجتماعی به دانشجویان تحصیلات تکمیلی بالینی) است. زیمباردو عنوان معلم، محقق، نویسنده، همکار رسانه‌ای و برای خدمت به حرفه روانشناسی جوایز و افتخارات متعددی دریافت کرده است. او جایزه بنیاد وسلو هاول را به خاطر یک عمر پژوهش در مورد شرایط انسان دریافت کرده است. بیش از ۴۰۰ نشریه تخصصی، شامل ۵۰ کتاب و درسنامه دارد و قدیمی‌ترین کتاب درسی فعلی روانشناسی، «روانشناسی و زندگی» و «مفاهیم اساسی در روانشناسی» برای هفتمین دوره تجدید چاپ شده‌اند.

کتاب معروف او در مورد کمروبی در بزرگسالان اولین کتاب در نوع خودش بود، درمان کمروبی که در جامعه آغاز کرد و سپس در قالب تحقیقات درمانی در دانشگاه پالو آلتو در پالو آلتو ادامه یافت. علایق تحقیقاتی فعلی او در حوزه روانشناسی اجتماعی تجربی، با تأکید پراکنده بر هر چیز جالبی برای مطالعه است، از جمله: چشم‌انداز زمان، متقاعد کردن، دیوانگی، خشونت، روانشناسی سیاسی و تروریسم است. علاقمندی فعلی او «پروژه تجسم قهرمانانه»^۱ است که به کاوش و ترغیب روانشناسی قهرمانان عادی می‌پردازد.

زیمباردو که به خاطر تلاش‌های فردی و حرفه‌ای‌اش برای عمومی‌سازی روانشناسی معروف است، فعال سیاسی اجتماعی نیز بوده است که جنگ‌های دولت در ویتنام و عراق و همچنین سیستم تادیبی آمریکا را به چالش کشیده است.

^۱ Heroic Imagination Project

زیمباردو رئیس انجمن روانشناسی آمریکا (۲۰۰۲)، رئیس انجمن روانشناسی غرب (دو بار)، رئیس شورای روسای جامعه علمی (CSSP) بوده است و اکنون رئیس بنیاد روانشناسی غرب و همچنین مدیر مرکز سیاست بین‌رشته‌ای، آموزش و تحقیق در مورد تروریسم (CIPERT) است.

او به خاطر کتاب‌های اخیر خود، از جمله: اثر شیطان (رندوم هاوس، ۲۰۰۷، جلد کاغذی، ۲۰۰۸)، پارادوکس زمان (با جان بوید، انتشارات آزاد، ۲۰۰۸)، مرگ بچه‌ها (با نیکیتا دانکن، کتاب‌های TED، ۲۰۱۲)، و درمان زمان (با ریچارد و رز ماری سوارد، ویلی، ۲۰۱۲) هیجان‌زده است.

پیشگفتار

تاملی در آغاز زمان ... چشم‌انداز

وقتی فیل زیمباردو در اواخر دهه ۱۹۶۰ به دانشکده استنفورد پیوست، با آموزش‌های قبلی در زمینه هیپنوتیزم و تجربه در استفاده از آن به عنوان ابزار روش‌شناختی وارد این عرصه شد (زیمباردو ۱۹۶۹). با این حال، در استنفورد رابطه کاری جدیدی با آزمایشگاه هیپنوتیزم که توسط همکارش جک هیلگارد اداره می‌شد، برقرار کرد. سپس یک تیم تحقیقاتی برای استفاده از روش هیپنوتیزم برای مطالعه فرآیندهای شناختی و هیجانی مختلف سازماندهی کرد. من به همراه گری مارشال و گرگ وایت یکی از اعضای آن تیم بودم، و چندین مطالعه مختلف در مورد پدیده‌هایی مانند برانگیختگی توجیه‌نشده و کنترل فرآیندهای فیزیولوژیکی انجام دادیم (مسلش و همکاران ۱۹۷۹). نتایج مطالعات برانگیختگی توجیه‌نشده، فیل را به انجام تحقیقات نوآورانه بعدی خود در مورد تئوری عدم پیوستگی و جنون هدایت کرد (زیمباردو ۱۹۹۹).

اما هیجان‌انگیزترین مطالعاتی که تیم ما انجام داد، آن‌هایی بودند که با حس فردی مردم از زمان ارتباط داشتند. فیل هم از تجارب خود و هم از تجربیات دیگران برای شروع توسعه این تفکر استفاده کرد که روشی که مردم در آن جریان زمان را درک می‌کنند و همچنین تمایز میان گذشته، حال و آینده را درک می‌کنند ممکن است بینش‌های بزرگی را در مورد الگوهای مختلف رفتار انسان بدهد. او انواع منابع مرتبط با زمان، از جمله تاریخی، مذهبی، اقتصادی، ادبی و فرهنگی را مطالعه می‌کرد و از آن‌ها و همچنین از روانشناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی الهام می‌گرفت. بحث‌هایی که درباره این تفکرات جدید و درباره فرضیه‌های احتمالی داشتیم، حقیقتاً جذاب بودند.

اولین مطالعه ما بر مفهوم حال گسترده متمرکز بود، و چندین معیار رفتاری را برای ارزیابی اثربخشی القای هیپنوتیزم و نتایج فرضی خود ابداع کردیم (زیمباردو و همکاران ۱۹۷۱). در این طرح تحقیق، پاسخ‌های دوازده نفر از افراد تعلیم‌دیده هیپنوتیزم را با پیشنهاد «امکان گسترش حال و فاصله گرفتن و اهمیت ندادن به گذشته و آینده» را با پاسخ‌های ۱۸ نفر دیگر که در سه شرایط کنترل توزیع شده بودند، مقایسه کردیم. در دو مورد از این شرایط، دستورالعمل یکسان گسترش تحریف زمان حال داده شد: نیمی از این افراد متظاهر (شبهه‌ساز) بودند، به آن‌ها گفته شد تصور کنند چگونه افراد هیپنوتیزم شده پاسخ می‌دهند و سپس به همان طریق عمل کنند. در حالی که نیمه دیگر گروه کنترل در بیداری بودند که فقط آموزش‌های گسترش‌یافته کنونی را بدون هیچ گونه هیپنوتیزمی دریافت می‌کردند. گروه چهارم، گروه کنترل زمان عادی بود که هیچ دستورالعمل تحریف زمانی دریافت نکرد

(گرچه از آن‌ها خواسته شد تا در مورد تصور خودشان از زمان فکر کنند). تمام افراد سه وظیفه داشتند. نخست، نوشتن داستان‌های تصویری در پاسخ به دو تصویر آزمون اندریافت موضوع (TAT)^۱ بود، یکی قبل و دیگری بعد از دستکاری تحریف زمان. همانطور که پیش‌بینی شد، افراد هیپنوتیزم شده بیشتر از فعل‌های زمان حال و ارجاع بیشتر به رویدادهای حال و ارجاع کمتر به رویدادهای آینده استفاده کردند. با این حال، شبیه‌سازها که قادر به درک این واکنش بودند همین کار را تا حد بیشتری انجام دادند. در مرحله دوم، از شرکت‌کنندگان خواسته شد تا به نوار ضبط شده از دو طنزپرداز که سعی داشتند یک تبلیغ رادیویی برای فیلم جدید خود انجام دهند، گوش دهند؛ وقتی این دو نفر اشتباه می‌کردند، شروع به سرزنش و توهین به یکدیگر به شیوه‌ای وقیحانه می‌کردند. هنگام گوش دادن به این گفتگوی غیرمنتظره و نامناسب اجتماعی، افراد در سه حالت کنترل، رفتار خود را بیشتر مهار می‌کردند و تنها گاهی لبخند می‌زدند. اما همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، افراد هیپنوتیزم شده «در زمان حال گسترده» کاملاً مجذوب این تجربه شدند، با صدای بلند خندیدند و نظراتشان را به همان ترتیب با عبارات خنده‌دار و مستهجن بیان کردند. وظیفه سوم برای درگیر کردن افراد در تجربه‌ای حسی طراحی شد تا از طریق کار فیزیکی تپه بزرگ خاک رس چیزی بسازند. تمام افراد کنترل از کثیف شدن هنگام کار با خاک رس ناراحت بودند و به محض اینکه به آن‌ها گفته شد، کار را متوقف کردند. در مقابل، گروه هیپنوتیزم شده «در زمان حال گسترده» اصلاً نگران کثیف شدن نبودند، بلکه از آن لذت بیشتری می‌بردند. حتی عجیب‌تر اینکه، وقتی به آن‌ها گفته شد کار را متوقف کنند، به قدری درگیر این فرآیند بودند که پنج دقیقه دیگر به بازی با خاک رس ادامه دادند تا زمانی که آزمایشگر اصرار کرد بازی را متوقف و اتاق را ترک کنند).

افراد علاوه بر مفهوم‌سازی ذهنی از گذشته، حال و آینده، یک حس زمانی از سرعت فردی نیز دارند. این امر شامل تخمین میزان وقوع رویدادها و هم واکنش‌های موثر به نرخ‌های مختلف محرک ورودی است. ما مطالعه‌ای را طراحی کردیم که در آن این سرعت با القای هیپنوتیزم تغییر کرد (زیمباردو و سایرین ۱۹۷۳). فرض کردیم که اگر وجود زمان در رابطه‌ای جدید نسبت به وقوع رویدادهای خاص درک شود، آنگاه معیارهای رفتاری که به میزان واکنش حساس هستند باید این درک تغییر یافته را آشکار کنند. به همه افراد مورد مطالعه آموزش داده شد که کلیدی را با سرعت‌های مختلف فشار دهند تا لامپ‌های مختلف هدف را در یک ردیف از ده رنگ روشن کنند. سپس در چهار آزمایش شرکت کردند که آزمایش اول و سوم آزمایش پایه و دوم و چهارم آزمایش تجربی بودند. در یک آزمایش خط پایه، به هر فرد آموزش داده شد تا نور قرمز را روشن نگه دارد (سه فشار در ثانیه)، و

^۱ Thematic apperception test

در آزمایش خط پایه دیگر، به فرد آموزش داده شد که نور آبی را روشن نگه دارد (شش فشار در ثانیه). در میان این آزمایش‌های مقدماتی خواسته شده بود که تعداد فشار را بر اساس سرعت فردی تغییر دهند. در یک آزمایش، به آزمودنی‌ها گفته شد زمان را به گونه‌ای کاهش دهند که یک ثانیه به نظر یک دقیقه و یک دقیقه به نظر یک ساعت برسد، و به همین نحو از گروه دیگر خواسته شد تا سرعت را بالا ببرند. به آزمودنی‌های دیگر بین این دو دستورالعمل تعدیل سرعت (که متعادل نبودند)، گفته شد که تجربه خود از زمان را عادی کنند. ۳۶ نفر به طور تصادفی در یکی از سه درمان قرار گرفتند: هیپنوتیزم، شبیه‌سازی هیپنوتیزم و کنترل غیرهیپنوتیزم شده در بیداری. فقط آزمودنی‌های هیپنوتیزم شده به طور قابل اطمینانی قادر به انتقال پیشنهاد کلامی ناهمزمانی بین ساعت و زمان فردی به واقعیت رفتاری بودند. این امر در مقایسه نرخ‌های میانگین پاسخ، درصد کل زمان روشن و خاموش هدف، میانگین انحراف در نرخ‌های پاسخ فردی از سطح پایه به سطوح پاسخ تجربی، و حتی در معیار ظریف‌تر جابجایی توزیع پاسخ نشان داده شده است.

اگرچه ما با این یافته‌های تجربی اولیه به موقع هیجان‌زده شدیم، اما آن‌ها را عمدتاً به دو دلیل برای مدتی پیگیری نکردیم: در سال ۱۹۶۱، قبل از آزمایش زندان استنفورد را انجام داد (که متعاقباً زمان زیادی از زندگی حرفه‌ای او را به دربرگرفت)، و من استاد در دانشگاه کالیفرنیا، پرکلی شدم (جایی که باید خط تحقیقاتی مستقل خودم را شروع می‌کردم). علاوه بر این، استش را بخواهید، در زمان تحقیق ما علاقمندی زیادی به تحقیق وجود نداشت؛ واکنش‌ها در جهت رد هیپنوتیزم یا ایده‌های خاص بودند.

خوشبختانه، سال‌ها بعد، فیل دوباره به علاقمندی اصلی خود یعنی موضوع جذاب زمان بازگشت. با همکاری برخی از دانشجویان ارشد، به ویژه جان بوید، کلی کلاف، کنت هاربر، آلیسون هولمن، و الکس گونزالس، مطالعات جدیدی انجام داد و مقیاس اندازه‌گیری چشم‌انداز زمان، پرسشنامه چشم‌انداز زمان زیمناردو (ZTPI)^۱ را توسعه داد. سپس، با کمال تعجب و قدردانی، پدیده چشم‌انداز زمان شروع به جلب توجه بسیاری از محققان در سراسر جهان کرد. این تیم جهانی از همکاران، که بسیاری از آن‌ها در این کتاب مشارکت داشته‌اند، با سطح قابل‌توجهی از همکاری و دوستی، کارهای فوق‌العاده‌ای روی مبحث زمان انجام داده‌اند.

این کار جدید، شادی زیادی برای فیل به ارمغان آورده است و او همچنان با این تیم جهانی در تماس بوده و در کنفرانس‌های مختلف به آنها ملحق می‌شود. این حقیقت که همه این همکاران، به

^۱ Zimbardo Time Perspective Inventory

افتخار هشتادمین سالگرد تولد فیل، تحقیقات خود را به این کتاب اختصاص داده‌اند، قطعاً شگفت‌انگیزترین هدیه‌ای است که می‌توان به او داد و من صمیمانه از تمام آن‌ها تشکر می‌کنم!

www.ketab.ir

Maslach, C. , Zimbardo, P. G. , & Marshall, G. (1979). Hypnosis as a means of studying cognitive and behavioral control. In E. Fromm, & R. Shor (Eds.), *Hypnosis: Developments in research and new perspectives* (2nd ed. , pp. 649–683) Hawthorne :Aldine.

Zimbardo, P. G. (1969). *The cognitive control of motivation: The consequences of choice and dissonance*. Glenview: Scott Foresman.

Zimbardo, P. G. (1999). Discontinuity theory: Cognitive and social searches for rationality and normality – May lead to madness. *Advances in Experimental Social Psychology*, 31, 345–486.

Zimbardo, P. G. , Marshall, G. , & Maslach, C. (1971). Liberating behavior from time-bound control: Expanding the present through hypnosis. *Journal of Applied Psychology*, 1, 305–323.

Zimbardo, P. G. , Marshall, G. , White, G. , & Maslach, C. (1973). Objective assessment of hypnotically induced time distortion. *Science*, 181, 282 – 284.

University of California

Christina Maslach

Berkeley, CA , USA

۱.....	ویراستاران
۳.....	تئوری چشم انداز زمان: مقدمه
۲۱.....	بخش ۱: نظریه، اندازه گیری و توسعه چشم انداز زمان
۲۱.....	قراردادن زمان در چشم انداز
۷۱.....	ارزیابی هماهنگی زمانی
۹۱.....	چشم انداز زمان و تفکر آینده متعالی
۱۱۰.....	توسعه نیمرخ چشم انداز زمان
۱۲۵.....	چشم انداز زمان و شخصیت
۱۴۳.....	گذشته، حال و آینده
۱۴۳.....	مدل مفهومی دیدگاه زمانی در نوجوانی
۱۶۳.....	یادگیری و چشم انداز زمان آینده
۱۷۸.....	از چشم انداز زمانی تا فاصله و شناختی (و برعکس)
۱۹۵.....	بخش ۲: مفهوم اجتماعی، فرهنگی و تکاملی چشم انداز زمان
۱۹۵.....	روانشناسی تکاملی دیدگاه زمان
۲۱۰.....	نیمرخ فرهنگ ها در چشم انداز زمان
۲۳۴.....	حفظ زمان
۲۴۵.....	اثر سانکوف
۲۶۴.....	ناپایداری در افق زمانی
۲۸۵.....	بخش ۳: فرآیندهای شناختی، هیجانی و انگیزشی در چشم انداز زمان
۲۸۵.....	همبستگی های عصبی از دیدگاه زمان
۳۰۲.....	فرآیندهای شناختی در چشم انداز زمانی
۳۱۹.....	تفاوت های دیدگاه زمان، پیش بینی کننده تفاوت های شبیه سازی های آینده
۳۳۵.....	فرآیندهای احساسی در توسعه و پویایی چشم انداز زمانی فردی
۳۶۰.....	ویژگی های انگیزشی چشم انداز زمان آینده جهت گیری آینده
۳۸۳.....	زمان بیشتر برای افعال کاران
۴۰۶.....	دستیابی به اهداف نیازمند چشم انداز زمان

بخش ۴: کاربردهای غیربالینی چشم‌انداز زمان ۴۲۵

چشم‌انداز زمان پیش‌بینی‌کننده رفتارهای سالم ۴۲۵

چشم‌انداز زمانی در رفتار مصرفی ۴۴۳

درک مسائل زیست‌محیطی از منظر زمانی ۴۶۴

زمان و عدم تناسب ۴۸۱

چشم‌انداز زمانی و سلامت ذهنی ۵۰۴

بخش ۵: کاربردهای بالینی چشم‌انداز زمان ۵۲۱

چشم‌انداز زمان و روابط اجتماعی ۵۲۱

چشم‌انداز زمان و پیری مثبت ۵۴۵

مرب‌گیری چشم‌انداز زمان ۵۶۳

دوست یا دشمن؟ فرار از مرگ یا مرگ به عنوان راه فرار؟ ۵۸۹

چشم‌انداز زمان درمانی ۶۰۳

تبدیل نظریه زمانی زیماردو به عمل بالینی ۶۰۳

قلمروی ناشناخته ۶۲۶

کلام آخر ۶۴۹

ویراستاران

مکیچ استولارسکی در حال حاضر استادیار دانشکده روانشناسی دانشگاه ورشو در کشور لهستان است که مدرک کارشناسی ارشد و دکترای خود را از آنجا دریافت کرده است و هر دو با کسب امتیاز کامل به او اهدا شد. علایق علمی او بسیار گسترده هستند، از جمله تأثیرات متقابل بین شناخت و احساس، تفاوت‌های فردی در خلق و خوی، هوش هیجانی و همچنین تحلیل مجموع ویژگی‌های روانی ملت‌ها. او مقالاتی در مجلات مشهوری چون (Intelligence, Personality and Individual Differences, Journal of Happiness Studies, PLOS One) و دیگر مجلات منتشر کرده است. علاقمندی او به پدیده چشم‌انداز زمان و همچنین همکاری با فیل زیمباردو در سال ۲۰۱۰، پس از دیدار فیل از دانشگاه ورشو آغاز شد. از آن زمان به بعد، مکیچ مطالعات متعددی را در مورد چشم‌انداز زمان که عمدتاً در رابطه با فرآیندهای احساسی است را انجام داد. او DBTP را که یک شاخص تعادل زمانی است توسعه داده و به آن اعتبار بخشید، که به طور فزاینده‌ای در تحقیقات تجربی مورد استفاده قرار گرفت. در حال حاضر مشغول برنامه تحقیقاتی برای بررسی پایه‌های ژنتیکی، خانوادگی و فرهنگی بر اساس چشم‌انداز زمان است.

نیکولاس فیولاین استادیار روانشناسی اجتماعی در موسسه روانشناسی دانشگاه لیون فرانسه است. او مدرک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترای خود را از دانشگاه پرووانس گرفت و همکاری خود را از ۷ سال پیش با فیل زیمباردو آغاز نمود تا تحقیقات مربوط به چشم‌انداز زمان را در سراسر جهان توسعه دهند. دانشگاه لیون چندین کمک‌هزینه تحقیقاتی برای مطالعات کاربردی به وی اهدا نمود و وی را به عنوان مدیر گروه رشته روانشناسی اجتماعی کاربردی در دانشگاه لیون منسوب کرد.

علايق تحقيقاتي اوليه او در خصوص ارتباط روانشناسي با تغييرات اجتماعي - اقتصادي بودند كه با استفاده از روش‌هاي كمّي و كيفي آن‌ها را مطالعه كرد. يافته‌هاي او به سرعت او را به ريشه‌هاي اجتماعي و مفاهيم رواني چشم‌انداز زمان، عمدتاً در زمينه‌هاي نابرابري‌هاي مربوط به سلامت و حقوق بشر علاقه‌مند كرد. همچنين علاقه‌مند به استفاده از روانشناسي در مسائل اجتماعي از طريق تحقيقات عملي، آزمائش‌ها ميداني و يا آموزش‌هاي حرفه‌اي است. در حال حاضر در حال مطالعه نقش ويژگي‌هاي حوزه روانشناسي بر روي تجربيات، تصميمات و رفتارهاي افراد است.

وسل ون بيك در رشته روانشناسي باليني در دانشگاه اوترخت هلند تحصيل كرد و مدرک دکترای خود را از دانشگاه وريجي در آمستردام گرفت. ۲۰ سال است كه در زمينه روانشناسي باليني و روان‌پزشكي مشغول فعاليت است. وسل در كنار كار خود به عنوان روان‌درمانگر، در مورد نقش چشم‌انداز زمان و تفكر آينده‌نگر در خودكشي تحقيق مي‌كند و آموزش گروه‌ي آينده‌نگر را براي بيماران با افكار خودكشي توسعه مي‌دهد. به عنوان يك متخصص باليني، وسل علاقه خاصي به چگونگي ارتباط تفكر گذشته، حال و آينده و چگونگي تأثيرگذاري آن‌ها بر آسيب‌شناسي رواني دارد. وسل عضو گروه اصلي محققاني است كه در حال زمين‌پاي زيمباردو كار مي‌كنند. او در حال حاضر بر گذشته دوران بارداري به عنوان ديدگاه مكمل از زمان مطالعه مي‌كند و در حال آماده كردن كتابي درباره زمان در روان‌درماني است. وسل مدير يك موسسه كوچك باليني رواني در هلند است.